

رفتار مجرمانه پدران و تعامل با اطفال

(نقش تعدیل کننده روابط خانوادگی)^۱

Pajarita Charles et al.²

مترجم: سید محمد حسینی^۳

مترجم: عبدالقدوس آرسین^۴

چکیده

هدف: تحقیقات نشان می‌دهد که رفتار مجرمانه پدران می‌تواند به طرق متعدد برای کودکان مشکل ساز شود. با این حال مطالعات کمی اثر شبکه‌های خویشاوندی پدران را در این روند بررسی کرده است. این مطالعه ارتباط بین رفتار مجرمانه پدران و تعامل آن‌ها با اطفال‌شان و چگونگی اثرات روابط پدر با اعضای شبکه خویشاوندی را بر این تعامل بررسی می‌کند. روش: از مدل‌سازی خطی سلسله مراتبی جهت پیش‌بینی تعامل پدران با استفاده از داده‌های یک مطالعه طولی بین نسلی بر روی ۳۳۵ کودک و ۱۴۹ پدر کم‌درآمد و اقلیت استفاده شد. معیارها شامل: هشت معیار مربوط به تعامل پدر با فرزندان، یک معیار برای اندازه‌گیری رفتار مجرمانه پدران و دو متغیر تعدیل کننده است. یافته‌ها: روابط با کیفیت بالا بین پدران و بستگان [طبقه] مرد آن‌ها میزان تأثیر منفی رفتار مجرمانه پدر بر فرزندان را کاهش داده است. هنگامی که پدرها با بستگان مرد روابط کم کیفیت داشتند، رفتار مجرمانه فقط با کاهش سطح تعامل پدر همراه بود. نتیجه‌گیری: روابط قوی و تأثیرگذار - به‌ویژه با بستگان [طبقه] مرد - ممکن است اثرات سوء رفتار ضد اجتماعی و مجرمانه را در تعامل پدران - در خانواده‌های در معرض خطر - کاهش دهد. پیامدهای بازسازی جهت بهبود عملکرد روابط بین پدران و بستگان [طبقه] مرد و افزایش مشارکت اجتماعی پدران، بیان شده است.

واژگان کلیدی: رفتار مجرمانه، تعامل پدر، روابط پدر - طفل، حمایت اجتماعی.

1. Fathers' Criminal Behavior and Involvement with Children: The Moderating Role of Family Relationships, Journal of the Society for Social Work and Research, Volume 9, Number 1. 2334-2315/2018/0901-0007/\$10.00. © 2018 by the Society for Social Work and Research. All rights reserved.

2. Deborah Gorman-Smith, Michael Schoeny, Laura Sudec, Patrick Tolan and David Henry.

۳. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه علامه طباطبائی، کابل، افغانستان.

ایمیل: smhussaini1357@gmail.com

۴. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه علامه طباطبائی، کابل، افغانستان.

ایمیل: abarseen19@gmail.com

مقدمه

علی‌رغم پژوهش‌ها در مورد فرزندپروری پدرمدارانه^۱ در حوزه‌های مختلف (Cabrera & Tamis-Lemonda, 2013) هنوز درباره دامنه نقش پدران که به طرق مختلف برای زندگی بهتر اطفال نقش ایفا می‌کنند؛ و [همچنین درباره] عواملی که باعث تعامل مثبت و منفی آن‌ها [با اطفالشان می‌شود] اطلاعات اندکی وجود دارد (Coley, 1999; Coley & Chase-Lansdale, 2001). پژوهش درباره رفتار مجرمانه و ارتباط آن با تعامل پدر [و اطفال] جهت روشن شدن ابعاد پیچیده فرزندپروری پدرمدارانه مهم است. پژوهشی درباره پدرانی که درگیر فعالیت‌های مجرمانه هستند، به این نتیجه رسیده است که فرزندان آن‌ها در معرض خطر بالایی عملکرد ضعیف قرار دارند که شامل مشکلات رفتاری، سوء مصرف مواد، اختلالات روانی و دستاورد تحصیلی ضعیف است (Johnson, 2009; Murray & Farington, 2006). یک سری از شواهد رو به افزایش نشان می‌دهد که رفتار مجرمانه و ضد اجتماعی پدران می‌تواند به طرق مختلف از جمله: کاهش تعامل پدر [و فرزندان] (Fagan & Lee, 2012)، رفتارهای فرزندپرورانه نادرست (Capaldi, Pears, Patterson, & Owen, 2003; Thornberry, 2003; Freeman-Gallant, Lizotte, Krohn, & Smith, 2003) و وراثت‌پذیری (Jaffee, 2003; Moffitt, Caspi, & Taylor, 2003) برای فرزندان مشکل ساز باشد.

در مطالعه حاضر، ما فقط بر یکی از این موارد - تعامل پدر و فرزندان - تمرکز کردیم تا ارتباط آن را با رفتار مجرمانه بررسی کنیم. [به این منظور] ما از معیارهای چند بعدی تعامل پدر [و فرزندان] استفاده کردیم که از ساختارهای تعامل پدرانه با فرزندان که اساساً بر [موضوعات] ارتباط، اقامت و حمایت از فرزندان تمرکز کرده‌اند، فراتر می‌رود.

به‌علاوه تمرکز بر ارتباط میان فعالیت مجرمانه پدران و تعامل [آن‌ها] با اطفالشان، یکی از اهداف مرکزی این مطالعه ساخت و آزمایش مدل‌هایی بود که به دلیل داشتن عوامل حفاظتی ممکن، نقش منفی رفتار مجرمانه و تعامل پدر را کاهش دهند.

1. Fathering

به این ترتیب، این مطالعه رفتار مجرمانه پدران و همبستگی آن با طیف وسیعی از فعالیت‌های فرزندپروری پدرمدارانه و عوامل تعدیل‌کننده - به‌طور خاص، کیفیت رابطه پدران و حمایت دریافتی از اعضای خانواده در امر فرزندپروری پدرمدارانه را در این فرایند مورد بررسی قرار داده است. هدف ما کمک به تولید دانش است؛ تا در نتیجه بتوان توسعه و آزمایش مداخلات پیشگیرانه هدفمند پشتیبان فرزندپروری پدرمدارانه مثبت را افزایش داد.

زمینه^۱

رفتار مجرمانه و ضد اجتماعی

بسیاری از شواهد تجربی در مورد رفتار مجرمانه و ضد اجتماعی و اثرات آن‌ها بر اطفال، درباره انتقال آن‌ها از یک نسل به نسل دیگر (Capaldi et al., 2003; Capaldi, Pears, Kerr, Owen, & Kim, 2012; Kim, Capaldi, Pears, Kerr, & Owen, 2009; Vaughn, Salas-Wright, DeLisi, & Qian, 2015) مبتنی بر اطلاعات محدود درباره رابطه آن با تعامل پدر [و فرزندان] متمرکز شده است. اگرچه بعضی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که افزایش رفتار مجرمانه در میان پدران منتهی به [میزان] پایینی از تعامل آن‌ها با اطفال‌شان (مثل کمتر وقت گذراندن با همدیگر) و [حتی] خطر جدا از هم زندگی کردن می‌شود (Jaffee Caspi, Moffitt, Taylor, & Dickson, 2001)، پژوهش دیگری همبستگی قابل توجهی [میان رفتار مجرمانه و ضد اجتماعی پدران] و تعامل آن‌ها [با فرزندان] را نشان نمی‌دهد (Coley & Hernandez, 2006).

مجموعه‌ای از مطالعات مرتبط با بررسی رفتار ضد اجتماعی پدران و اثرات آن‌ها بر اطفال نشان می‌دهد که در موارد بالایی از ارتباط [میان] پدر و طفل، فرزندپروری مؤثر و یا با کیفیت بالا، پیامدهای بالقوه نامطلوب ناشی از رفتار ضد اجتماعی پدران بر اطفال را تعدیل می‌کند (Thornberry, Freeman-Gallant, & Lovegrove, 2006).

۱. Background را پس‌زمینه هم ترجمه کرده‌اند که به نظر تحت‌اللفظی و نازیبا است. در زبان فارسی کلمه «زمینه» مفهوم را به‌طور کامل می‌رساند.

2009a) و موجب کاهش [انتقال] بین‌نسلی رفتار ضد اجتماعی از پدر به طفل می‌گردد (Thornberry, Freeman-Gallant, & Lovegrove, 2009b).

شواهد نشان می‌دهد که یک رابطه ممکن بین رفتار ضد اجتماعی پیشین و تعامل پدر در مابعد آن، پایداری رفتار ضد اجتماعی در طول زمان است که [این امر ممکن باعث شود تا] کودکانی که با مشکلات رفتاری دست‌وپنجه نرم می‌کنند این الگوهای ضد اجتماعی را در بزرگسالی ادامه دهند (Fergusson, Horwood, & Ridder, 2005). چنین الگوهایی می‌توانند منجر به فرزندپروری نامطلوب شوند که به‌طور مستقیم بر تعامل پدر [و اطفال] تأثیر منفی می‌گذارد یا منجر به روابط نامطلوب - مانند خشونت با شریک زندگی - می‌شود که به‌نوبه خود بر پدری^۱ اثر می‌گذارد (Jaffee, Belsky, Harrington, Caspi, & Moffitt, 2006). پدرانی که رفتار ضد اجتماعی را در طول رشد خودشان تجربه کرده‌اند، ممکن است روابط پیچیده‌ای با مادر فرزند خود در طول زندگی داشته باشند که منجر به سطوح پایین‌تر و کیفیت نامطلوب تعامل پدر [و فرزند] می‌شود.

یک مورد مرتبط، از مدل رفتارهای اجتماعی محدود، به دوره نوجوانی، مرتبط می‌شود (Caspi & Moffitt, 1995). در این مورد، نوجوانان برای مدتی در رفتار انحرافی درگیر می‌شوند، اما پس از مدتی به تدریج با بالغ شدن به رفتار مرسوم [جامعه] بازگشت می‌کنند. این بازگشت، در صورتی که مردان جوان دستگیر یا حبس (توقیف)^۲ شوند ممکن است به تأخیر بیفتد (Moffitt, 2015). رفتار ضد اجتماعی این مردان جوان که به‌طور هم‌زمان وارد [رابطه] پدری می‌شوند، ممکن است تأثیر منفی بر تعامل آن‌ها با فرزندان‌شان داشته باشد و باعث ایجاد بی‌ثباتی در نظم خانوادگی شود.

کیفیت رابطه

کیفیت روابط بین مادران و پدران یک پیش‌بینی‌کننده قوی از نتایج واحد - یک عامل

1. Fatherhood

2. Incarcerated

محافظ مرکزی برای کودکان - است و ارتباط مثبتی با تعامل پدر دارد (Carlson, 2013; McLanahan, & England, 2004; Charles, Jones, & Guo, 2013). روابط با کیفیت بالا بین والدین بسیار مهم است، چون با افزایش میزان زمان گذاشتن پدران برای فرزندان و کیفیت رابطه پدری - فرزندی همبستگی دارد (Cabrera, Ryan, et al., 2004; Sobolewski & King, 2005).

همچنین شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه کیفیت رابطه بین پدر و خانواده مادر و [کیفیت رابطه] بین مادر و خانواده پدر، ارتباط مثبتی با تعامل پدر [و فرزندان] دارد (Krishnakumar & Black, 2003; Ryan, Kalil, & Zioli-Guest, 2008). علاوه بر این، روابط خانوادگی پدر (کیفیت رابطه با والدین، تغییرات سرپرستی، داشتن یک مادر مجرد و یا نوجوان، تجربه انضباط خشن یا متناقض و سابقه جنایی والدین) می‌تواند بر تعامل پدر با اطفالش تأثیر بگذارد (Jaffee et al., 2001). روابط پدران با مادرانشان - و کمک [مادران] به فرزندپروری و حمایت عاطفی - می‌تواند حمایت مهمی در امر فرزندپروری برای پدران جوان باشد (Miller, 1994; Roy, Dyson, 2010). رابطه یک پدر با پدرش نیز می‌تواند بر چگونگی تعاملش با فرزندان تأثیر بگذارد؛ مردانی که تجارب تعاملی مثبت با پدرانشان داشتند، ممکن است آن تجارب را در تعامل با فرزندان خود شبیه‌سازی و مدل‌سازی کنند (Bea-ton & Doherty, 2007). همچنین تحقیقات کیفی نشان می‌دهد که پدرانی با سابقه دشوار در فرایند رشد، از جمله جدایی از پدران خود در دوران کودکی، ممکن است به دنبال ترمیم این روابط در بهار بزرگسالی به عنوان بخشی از فرایند تعامل با فرزندان خود باشند (Roy & Lucas, 2006).

حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی در امر فرزندپروری بسیار مهم دانسته شده (Belsky, 1984)، چون شبکه‌های اجتماعی توانایی ارائه منابع روان‌شناختی و مادی را برای مردم جهت مبارزه با استرس، بهبود سلامت روانی و جسمی دارند (Cohen, 2004) و جرم را کاهش می‌دهند (Cullen, 1994). برای برخی خانواده‌ها، حمایت اجتماعی جهت

افزایش تعامل پدر [با فرزندان] و کیفیت رابطه پدر- فرزند حیاتی است. در واقع، تحقیقات اخیر میزان بالاتری از تأثیرگذاری حمایت اجتماعی را در ارتباط با افزایش تعامل و مشارکت پدرانه نشان داده است (Castillo & Sarver, 2012; Fagan & Lee, 2010; Roy & Vesely, 2011).

فرض بر این است که دریافت حمایت از سوی مادران فرزندان، به‌طور مثبت بر تعامل پدر [و فرزندان] تأثیر می‌گذارد، بااین حال تحقیق نشان‌دهنده اختلاف در مسیر مشخص منتهی به این امر است. برخی محققان دریافته‌اند که روابط فرزندپروری مشارکتی مبتنی بر همکاری والدین جهت بزرگ کردن مشترک فرزندان و تصمیم‌گیری خوب بر تعامل پدر [و فرزندان] تأثیرگذار است (Carlson, McLana, 2005; Sobolewski & King, 2008; han, & Brooks-Gunn, 2008). شواهد دیگری نشان داده که حمایت مادران از پدران از طریق منتقل کردن این درک که شریک زندگی خود را به‌عنوان یک پدر شایسته می‌بینند (Bouchard & Lee, 2000) یا مبتنی بر این باور که از نظر مادران مراقبت پدرانه اهمیت دارد، می‌تواند بر تعامل پدر و فرزندان تأثیر بگذارد (McBride et al., 2005). همچنین نشان داده شده که حمایت از پدر توسط افراد دیگری که در شبکه اجتماعی پدر هستند (به‌عنوان مثال، خواهر، برادر و خویشاوندان دور) نیز جهت پیش‌بینی تعامل بیشتر پدر [با فرزند] تأثیر قابل توجهی دارند (Fagan & Lee, 2011; Roy & Vesely, 2010). حمایت قاطع افراد مختلف [از پدران]، به شمول اقوام، در امر فرزندپروری بهتر، به‌ویژه در میان پدران مطلقه نیز مؤثر نشان داده شده است (Degarmo & Forgatch, 2012).

عوامل جمعیت‌شناختی و دیگر پیش‌بینی‌کننده‌های تعامل پدر با فرزند

پژوهش‌های قبلی در مورد پیش‌بینی‌کننده‌های تعامل پدران نشان داده که یک سری ویژگی‌های مشخص پدران بر کمیت و کیفیت تعامل آن‌ها [با اطفال] در زندگی تأثیر می‌گذارد (Coley & Hernandez, 2006; Gorman-Smith, Hunt, & Robertson, 2012). درآمد پدران، وضعیت اشتغال و سطح تحصیلات می‌تواند بر مشارکت آن‌ها در پرورش فرزندان تأثیر بگذارد (Castillo, Welch, & Sarver, 2013). همچنین،

مطالعات نشان داده است که وضعیت رابطه پدر می تواند بر تعامل پدر تأثیر بگذارد، زیرا پدران مجرد و غیرمقیم کمتر از هم‌تایان متأهل و یا دارای زندگی مشترک خود، ارتباط منظم و با کیفیت با کودک دارند (Coley & Chase-Lansdale, 1999; Lan-). (dale & Oropesa, 2001). تعداد فرزندان می تواند بر تعامل پدر تأثیر بگذارد، چون داشتن فرزندان بیشتر ممکن است باعث کاهش زمان و منابعی شود که پدر می تواند به هر فرزند اختصاص دهد (Carlson & Furstenberg, 2006; Kotila & Kamp). اگرچه یافته ها ترکیبی هستند، [با این حال] برخی تحقیقات نشان داده اند که جنسیت و سن می تواند تأثیر بالقوه ای داشته باشد، [یعنی] پدران نسبت به دختر بیشتر با پسر (Lundberg, McLanahan, & Rose, 2007; Manlove & Ver-) و نسبت به فرزندان بزرگسال بیشتر با فرزندان کم سن تعامل می کنند (Cooksey & Craig, 1998; Kulik & Sadeh, 2015). برخی مطالعات نشان داده اند که پدران زمانی بیشتر با اطفالشان تعامل دارند که از لحاظ زیستی متعلق به آن ها باشند (فرزند بیولوژیکشان باشند)، با این حال شواهد دیگری حاکی از آن است که اختلاف در تعامل پدرانه بر اساس هویت زیستی [اطفال] کاهش می یابد اگر تفاوت های بین پدران در نظر گرفته شود (Hofferth, 2006; Dunn, 2004).

چارچوب مفهومی

مفهوم سازی ما از تعامل پدر، ترکیبی از دیدگاه های نظری است که اساساً از کار لمب، پلیک، چارنو و لوین (۱۹۸۷) نشأت و شکل گرفته است. آن ها سه حوزه را به عنوان مبانی تعامل پدر [با فرزندان] پیشنهاد کرده اند:

۱. در دسترس بودن (پدر به صورت فیزیکی در دسترس کودکان)؛
۲. درگیری (سرگرمی کردن با کودک و آموزش دادن) [به عنوان مثال، مطالعه، مراقبت امور مربوط به ظاهر فرزند از جمله لباس
۳. وظایف (پدر وظایف مربوط به برنامه ریزی را برای کودک انجام دهد و کمک های مالی ارائه کند و بر تصمیمات فرزند تأثیر بگذارد).

مدل‌هایی که ما ترسیم کردیم روی اکولوژی چند عامل تعیین‌کننده در فرزندپروری تأکید می‌کند. در این مدل‌ها، ویژگی‌های کودک، ویژگی‌های والدین و عوامل اجتماعی و زمینه‌ای، همه در تعامل پدر با فرزندان نقش مثبت و منفی ایفا می‌کنند (Belsky, 1984; Lamb, Pleck, Charnov, & Levine, 1985). به‌عنوان مثال، دوهرتی، کنسکی و اریکسون (۱۹۹۸) یک مدل مفهومی ساختند که بر ۱- نقش افراد (به‌عنوان مثال، پدر، مادر و کودک)، ۲- رابطه (رابطه فرزندپروری مشارکتی) و ۳- عوامل زمینه‌ای (درآمد، اشتغال، حمایت اجتماعی) تأکید می‌کرد. نویسندگان، مدل خود را بر روی یک چارچوب اکولوژیک بنا کردند که بر اهمیت بافت - هم محیطی و هم بین فردی - در فرزندپروری پدرمدارانه تأکید کرده و تصریح داشته که فرایند فرزندپروری پدرمدارانه حتی نسبت به فرزندپروری مادرمدارانه از بعد زمینه‌ای حساس‌تر است.

مفهوم‌سازی گسترده فرزندپروری پدرمدارانه فراتر از تحقیقات قبلی رفته که بر اساس آن‌ها فرزندپروری پدرمدارانه اصولاً با حمایت مالی و اقامت با کودک تعریف می‌شود. در نقطه مقابل، اجماع روبه‌رشد این است که باید به مهارت فرزندپروری و تعامل [پدر با فرزند] در فرزندپروری پدرمدارانه چندبعدی نگاه شود (Gorman-Smith et al., 2012). این موضوع در مرکز چارچوب مفهومی ما قرار دارد. به این ترتیب، ما مدلی را با در نظر داشت نقش خانواده گسترده و مادران در فرزندپروری پدرمدارانه جهت پیش‌بینی تعامل پدر [با فرزندان] پیشنهاد کرده‌ایم. این مدل همان‌طور که در شکل ۱ نشان داده شده (و به صورت آنلاین در دسترس است)، فعالیت مجرمانه پدران را به عنوان یک عامل خطر مرتبط با سطوح پایین‌تر تعامل [با فرزندان] در اولویت احتساب کرده است. دو مجموعه از عوامل محافظتی - کیفیت رابطه با اعضای خانواده و حمایت از فرزندپروری پدرمدارانه توسط آن‌ها - تأثیرات منفی فعالیت مجرمانه پدران را تعدیل می‌کند؛ یعنی رابطه منفی بین رفتار مجرمانه پدران و تعامل پدر [با فرزندان] در صورت وجود روابط با کیفیت بالا و حمایت سطح بالا [از فرزندپروری پدرمدارانه] تضعیف می‌شود. این عوامل خطرزا و

محافظتی در زمینه ویژگی‌های پدر و فرزند رخ می‌دهد که تحقیقات قبلی آن را برای تعامل پدر با فرزندان مهم بیان کرده‌اند.

سؤالات پژوهش

این مطالعه رفتار مجرمانه پدران را به‌عنوان یک عامل خطر برای کاهش تعامل پدر [با فرزندان] و چگونگی تأثیر ارتباط با مادران و خانواده بزرگ بر آن را بررسی می‌کند. ما به سؤال‌های پژوهشی ذیل می‌پردازیم:

➤ سؤال ۱: آیا بین رفتار مجرمانه پدران و تعامل آن‌ها [با فرزندان] رابطه منفی

وجود دارد؟

➤ سؤال ۲: آیا حمایت و تشویق برای پدر بودن از طرف (الف) بستگان پدران،

(ب) مادران و (ج) بستگان مادران، ارتباط منفی بین رفتار مجرمانه پدران و

تعامل پدر [با فرزندان] را کاهش می‌دهد؟

➤ سؤال ۳: آیا کیفیت رابطه بین پدران و (الف) بستگان پدران، (ب) مادران و

(ج) بستگان مادران ارتباط منفی بین رفتار مجرمانه پدران و تعامل پدر [با

فرزندان] را کاهش می‌دهد؟

برای پرداختن به سؤال اول، هر یک از معیارهای پیامد (به بخش متغیرهای وابسته مراجعه کنید) بر روی رفتارهای مجرمانه برای مجموعه کامل متغیرهای کمکی^۱ (ویژگی‌های پدر و خصوصیات کودک) کنترل شد. برای پرداختن به سؤال دوم، هر یک از معیارهای حمایتی (به بخش متغیرهای تعدیل‌کننده مراجعه کنید) و ارتباط آن‌ها با فعالیت مجرمانه بر هر یک از مدل‌های برگرفته شده از سؤال اول اضافه شد تا بررسی شود آیا حمایت از جانب اعضای مختلف خانواده روابط بین فعالیت مجرمانه پدران و تعامل آن‌ها [با فرزندان] را تعدیل کرده است (به‌عنوان مثال، حمایت از سوی خویشاوندان [طبقه] مرد پدران در برابر رفتار مجرمانه، حمایت از سوی خویشاوندان [طبقه] زن پدران در برابر رفتار مجرمانه و غیره). برای پرداختن

1. Covariates

به سؤال سوم، هر یک از معیارهای کیفیت رابطه (به بخش متغیرهای تعدیل‌کننده مراجعه کنید) و تعامل آن‌ها با فعالیت مجرمانه بر هر یک از مدل‌ها از سؤال اول جهت اینکه بررسی شود آیا کیفیت رابطه با اعضای مختلف خانواده، رابطه بین رفتار مجرمانه پدران و تعامل آن‌ها [با فرزندان] را تعدیل می‌کند، اضافه شده است.

روش

داده‌های این مطالعه از هشت موج «مطالعه توسعه جوانان شیکاگو»^۱ تحقیق طولی که رفتار بزهکارانه را در میان همسایه‌های مردان آمریکایی-آفریقایی و آمریکایی-لاتینی، از مرکز شهر شیکاگو بررسی کرده، گرفته شده است (Tolan, Gorman-Smith, & Henry, 2003). در موج اول، با پسران (۳۴۱ نفر) در رده سنی ۵ و ۷ در ۱۷ مدرسه دولتی به‌عنوان کودکان مصاحبه شد. پسرها هر ۱ تا ۲ سال (به‌جز یک فاصله سه‌ساله بین امواج ۶ و ۷) در طول رشد و بزرگسالی که منجر به هشت موج مصاحبه شد، مورد مصاحبه قرار گرفتند. از موج هفتم و هشتم، جمع‌آوری داده‌های این مطالعه از تمرکز بر رفتار بزهکارانه نوجوانان؛ به تعامل پدران، فرزند پروری و عملکرد کودک تغییر کرد. مطالعه حاضر شامل آن دسته از شرکت‌کنندگانی است که پدر شدند (۱۶۵ فرد)، حداقل یک‌بار در طی امواج ۷ و ۸ مطالعات رشد جوانان شیکاگو با آن‌ها مصاحبه شده و آن‌هایی که به‌طور جداگانه در مورد بیش از پنج کودکشان پاسخ داده بودند. در زمان امواج ۷ و ۸، پدران در سنین ۲۰.۵ و ۳۰ سال قرار داشتند. اگرچه تمرکز مطالعه حاضر بر پدران از امواج ۷ و ۸ است، از بررسی طولی امواج ۱ - ۶ مطالعات رشد جوانان شیکاگو استفاده کردیم تا متغیرهای کنترل مربوطه را در مدل‌های آماری خود کنترل کنیم.

از شرکت‌کنندگان در تحقیق در امواج ۷ و ۸ درباره پدر بودن، از جمله دسترسی به اطفال و تعامل کردن با آن‌ها و تأثیر آن‌ها بر زندگی اطفال و جنبه‌های مهم رشد فرزندان، پرسیده شد. همچنین از آن‌ها خواسته شد تا رابطه خود را با افراد مختلف

و میزان حمایت یا تشویق این افراد برای پدر بودن توصیف کنند. مطابق با اهداف اصلی مطالعات رشد جوانان شیکاگو، از پدران خواسته شد که در مورد رفتار ضد اجتماعی و درگیری مجرمانه خودشان گزارش دهند. تعامل پدران فقط در امواج ۷ و ۸ گنجانده شده است، از این رو ما از این امواج استفاده می‌کنیم. نمونه تحلیلی نهایی شامل ۱۴۹ پدر بود که ۳۳۵ فرزند را گزارش کردند. پدرانی که حبس بودند و نمی‌توانستند به تحقیق مربوط به نظرسنجی پاسخ دهند (۴ فرد) و پدرانی که در مورد متغیرهای پیش‌بینی‌کننده داده‌های گم‌شده داشتند (۱۲ فرد) از تجزیه و تحلیل حذف شدند. این تحقیق توسط هیئت بررسی نهادی یک دانشگاه بزرگ در غرب میانه ایالات متحده تأیید شده است.

معیارها

متغیرهای وابسته: مجموعه‌ای از معیارهای پیامد را بر اساس پژوهش‌های قبلی اضافه کردیم (Cabrera, Moore, et al., 2004; Cabrera & Peters, 2000). از پدران یک سری سؤال در سه حوزه پرسیده شد (Lamb et al., 1987)؛ قابلیت دسترسی (دو مورد)، تعامل (سه خرده‌مقیاس) و مسئولیت (سه خرده‌مقیاس). اطلاعات خلاصه در مورد معیارها با جزئیات اضافی موجود در جاهای دیگر ارائه شده است (Charles et al., 2016). ما به‌طور مشابه با استفاده از روش‌های استفاده‌شده توسط کبررا، ریان و دیگران (۲۰۰۴) عمل کردیم و درباره معیارها با استفاده از آلفای کرونباخ ارائه کردیم.

دسترس پدر ($a=.82$) بر اساس دو مورد سنجیده می‌شد:

«هرچند وقت یک‌بار می‌توانید کودک را ببینید؟» (مقیاس لیکرت با کدگذاری معکوس: ۱ = هر زمان که بخواهم، ۲ = هر روز یک‌بار اما نه هر وقت که بخواهم، ۳ = یک‌بار در هفته اما نه هر روز، ۴ = بین یک‌بار در هفته و یک‌بار در ماه، ۵ = کمتر از یک‌بار در ماه، ۶ = هرگز) و؛

«هرچند وقت یک‌بار کودک را می‌بینید؟» (۱ = هرگز، ۲ = به ندرت - شاید یک

یا دو بار در سال، ۳ = گاهی اوقات - حدود یک بار در ماه یا بیشتر، ۴ = اغلب - نه هر روز بلکه چندین بار در هفته یا ماه یا ۵ = هر روز).

هر دو مورد مستمر، مبتنی بر میانگین مقیاس مربوط به خود است.

درگیری پدر با سه خرده مقیاس ارزیابی شد: (الف) تفریح (شش مورد؛ $a=0.81$) (ب) آموزش (دو مورد؛ $a=0.90$)؛ و (ج) مراقبت (پنج مورد؛ $a=0.86$). از پدران در مورد تعداد دفعاتی که در ماه گذشته با فرزندشان در فعالیت‌هایی شرکت کرده‌اند (مثلاً در بیرون بازی کردن، داستان خواندن) سؤال پرسیده شد. از کد معکوس برای تولید میانگین امتیازات از ۱-۵ استفاده شده است (۱ = حداقل یک بار در روز، ۲ = چند بار در هفته، ۳ = چند بار در ماه، ۴ = به ندرت یا ۵ = به هیچ وجه در ماه گذشته).

مسئولیت پدر با سه خرده مقیاس اندازه‌گیری شد: (الف) برنامه‌ریزی (۱۸ مورد؛ $a=0.93$). (ب) مسئولیت مالی (هشت مورد؛ $a=0.91$)؛ و (ج) تأثیر گذاشتن بر تصمیمات کودک (هشت مورد؛ $a=0.90$). در مورد مسئولیت برنامه‌ریزی و مالی، از پدران پرسیده شد که چه کسی اطمینان حاصل می‌کند کارهای مختلف انجام می‌شود یا خدمات ارائه می‌شود (به عنوان مثال، ایمن بودن کودک، به مدرسه رفتن کودک، تهیه کردن مواد غذایی برای کودک، مراقبت کردن از کودک) و اینکه چه کسی معمولاً هزینه‌های این کارها را پرداخت می‌کند. مجموعه پاسخ‌های پنج دسته‌ای (۱ = پدر، ۲ = مادر، ۳ = هر دو، ۴ = شخص دیگر یا ۵ = هیچ کس) در متغیرهای یک وجهی قرار داده شد تا نشان‌دهنده وجود هرگونه کمک پدر در برنامه‌ریزی و پرداخت هزینه‌ها باشد (۱ = پدر یا هر دو والدین مشارکت کردند، ۰ = مادر، شخص دیگری یا هیچ کس کمک نکرد). معیارهای نهایی (با در نظر داشت برنامه‌ریزی و مسئولیت مالی) شامل میانگین نمرات از ۰-۱ بوده تا نشان دهد که آیا پدر در برنامه‌ریزی و کمک مالی مشارکت داشته است. نفوذ پدران در تصمیم‌های مربوط به مراقبت از فرزندان‌شان بر اساس این سؤال بوده که «چقدر در تصمیم‌گیری‌های اساسی مانند ... نفوذ دارید؟ موارد: (۱ = هیچ، ۲ = اندکی، ۳ = زیاد) در شاخص یک وجهی جمع شده (۰ = هیچ، ۱ = برخی یا تأثیر زیادی) تا نشان‌دهنده میزان نفوذ پدران را در مورد زندگی کودک (به عنوان مثال قوانین،

آموزش، مراقبت‌های بهداشتی) باشد. مقیاس نهایی نفوذ بر اساس میانگین نمره از ۱-۰ بوده است. اطلاعات بیشتر در مورد معیارهای نشان‌دهنده پیامدهای مسئولیت پدران و درگیری آن‌ها [با فرزندان] در پیوست A (به صورت آنلاین) قابل دسترس است. درگیری در رفتار مجرمانه: متغیر پیش‌بینی‌کننده اصلی، درگیری در رفتار مجرمانه بوده است که ترکیبی از ۱۷ رفتار غیرقانونی گزارش شده توسط پدران در سال گذشته بوده و بر اساس نسخه اصلاح شده پرسشنامه خود-گزارش دهی بزهکاری نظرسنجی ملی جوانان بوده است (Elliott, Huizinga, & Ageton, 1985). رفتارهای غیرقانونی با توجه به جدیت قانونی (یعنی از دسته C تخلف تا دسته A جنایات) دسته‌بندی شده است. با استفاده از الگوریتمی از تحقیقات قبلی که به فرکانس و شدت بزهکاری پرداخته، نمایه‌ای از درگیری مجرمانه در پنج دسته از ۰-۴ ساخته شده که تعداد بالاتر نشانگر میزان شدیدتر و مکرر درگیر شدن در رفتارهای غیرقانونی است (Giorda-no, Cernkovich, & Pugh, 1986; Gorman-Smith, Tolan, Zelli, & Huesmann, 1996).

دسته‌بندی‌ها چنین است:

- نابزهکاران، اشخاصی هستند که در سال گذشته مرتکب هیچ جرم جزئی یا بزرگی نشده‌اند؛
- بزهکاران جرائم کوچک با تکرار جرم پایین، اشخاصی هستند که در سال گذشته مرتکب یک یا دو جرم جزئی شده اما مرتکب هیچ جرم بزرگی نشده‌اند؛
- بزهکاران جرائم کوچک با تکرار جرم متوسط یا بزهکاران جرائم کمتر از جرائم شدید با تکرار جرم پایین، اشخاصی هستند که در سال گذشته برخی جرائم کوچک (سه) یا کم‌تر از دو جرم بزرگ جدی (به عنوان مثال، ضربه به یک نفر، استفاده از مواد مخدر) را مرتکب شده‌اند؛
- بزهکاران جرائم کمتر شدید با تکرار جرم بالا یا جرائم شدید با تکرار جرم پایین، اشخاصی هستند که در سال گذشته ۳-۹ جرم کمتر شدید و یا یک یا دو جرم شدید (به طور مثال به فردی با سلاح حمله کردند) را مرتکب شده‌اند؛

➤ بزه‌کاران جرائم کمتر شدید با تکرار جرم بالا یا جرائم شدید با تکرار جرم بالا، اشخاصی هستند که در سال گذشته ۱۰ یا چند جرم کمتر شدید و یا سه جرم شدید را مرتکب شده‌اند.

متغیرهای تعدیل‌کننده: اولین گروه از متغیرهای تعدیل‌کننده، میزان حمایت و تشویق پدران را به عنوان یک پدر بر مبنای این سؤال: «به‌طورکلی، شما افراد زیر را چگونه به‌عنوان حامی خودتان به حیث (پدر / پدرگونه) برای کودک؛ در مقیاس‌های (تا حدی حامی، از هیچ طریقی اهمیت نمی‌دهند یا مانع تعامل شما با کودکان می‌شوند) توصیف می‌کنید؟ (الف) پدران به این سؤال پاسخ دادند: (الف) بستگان از طبقه مرد (مانند پدر، پدربزرگ، دایی)؛ (ب) بستگان از طبقه زن (به‌عنوان مثال مادر، مادر بزرگ، خواهر)؛ (ج) مادر کودک؛ (د) بستگان مادر کودک از طبقه مرد؛ و (ه) بستگان مادر از طبقه زن. حمایت به‌عنوان یک متغیر شاخص (۱ = بسیار حامی، ۰ = تا حدودی حامی، اهمیت نمی‌دهد و یا تلاش می‌کند تا از داشتن رابطه با فرزند خود جلوگیری کند) مورد استفاده قرار گرفته است.

گروه دوم متغیرها کیفیت رابطه افراد مختلف در حوزه خانواده و شبکه اجتماعی پدر را بر اساس این سؤال: «به‌طورکلی، آیا رابطه خود را با افراد زیر بسیار عالی، بسیار خوب، خوب، منصفانه یا ضعیف توصیف می‌کنید؟» ارزیابی کرده است. این افراد، همان موارد مورد حمایت (که قبلاً ذکر شد) بوده‌اند. این مورد همچنین به‌عنوان متغیر شاخص (۱ = عالی یا بسیار خوب، ۰ = خوب، منصفانه یا ضعیف) مورد استفاده قرار گرفت. متغیرهای حمایت و کیفیت رابطه از طرح DADS (که جزئیات بیشتر در مورد آن به‌صورت آنلاین در ضمیمه AA; Cabrera, Moore, et al., 2004; Cabrera & Peters, 2000) و پروژۀ ارزیابی و تحقیق اولیه شروع، ۱۹۹۶-۲۰۱۰ (U.S. Department of Health and Human Services, 2005) موجود است) گرفته شده است.

متغیرهای کمکی: متغیر کنترل را در سابقۀ درگیری غیرقانونی پدران از دوران طفولیت تا اواخر نوجوانی شامل کردیم. برای ایجاد معیارهای سطح و تغییر جهت،

یک تحلیل رشد خطی چند سطحی از میزان مشارکت مجرمانه در شش موج اول مطالعات رشد جوانان شیکاگو انجام دادیم. اثرات تصادفی برای تقاطع و شیب سن (سال) گنجانده شدند. سن ۱۸ سالگی در مرکز قرار گرفت تا تقاطع نشان‌دهنده سطح رفتارهای جنایی در سن ۱۸ سالگی باشد. مدل تغییرات قابل توجهی در هر دو نقطه تقاطع و شیب را نشان داده است. مقادیری برای راه حل تصادفی در تقاطع و شیب به عنوان متغیرهای کمکی در مدل‌های بعدی جهت کنترل تغییرات فردی در سطح (تقاطع) و جهت / نرخ تغییر (شیب) در درگیری در نوجوانی به کار رفتند.

خصوصیات پدر: درآمد خانگی در نه دسته مورد ارزیابی قرار گرفت: ۱ = کمتر از ۵,۰۰۰ دلار؛ ۲ = ۵,۰۰۰ دلار الی ۹,۹۹۹ دلار؛ ۳ = ۱۰,۰۰۰ دلار الی ۱۴,۹۹۹ دلار؛ ۴ = ۱۵,۰۰۰ دلار الی ۱۹,۹۹۹ دلار؛ ۵ = ۲۰,۰۰۰ دلار الی ۲۴,۹۹۹ دلار؛ ۶ = ۲۵,۰۰۰ دلار الی ۲۹,۹۹۹ دلار؛ ۷ = ۳۰,۰۰۰ دلار الی ۳۹,۹۹۹ دلار؛ ۸ = ۴۰,۰۰۰ دلار الی ۴۹,۹۹۹ دلار؛ ۹ = ۵۰,۰۰۰ دلار یا بیشتر. تحصیل و کار، به ترتیب، بر پایه موفقیت مدرسه: (۱ = کمتر از ۷ سال مکتب؛ ۲ = بین ۷ تا ۹ سال مکتب؛ ۳ = بین ۱۰ تا ۱۱ سال مکتب؛ ۴ = فارغ از مکتب؛ ۵ = ۱ سال کالج یا آموزش تخریکی؛ ۶ = بیشتر از ۱ سال کالج؛ ۷ = فارغ از کالج؛ ۸ = ماستر و دکتر) و شغل - در لحظه - (۱ = دارد ۰ = ندارد) بررسی شد. نژاد/قومیت پدران در ۱ = سیاه‌پوست غیر اسپانیایی تبار و ۰ = اسپانیایی تبار یا دیگر، دسته‌بندی شد. وضعیت رابطه بر اساس معیارهای ۱ = متأهل، ۲ = هم‌نشین و ۳ = مجرد بررسی شد.

خصوصیات کودک: جنسیت کودک (۱ = مرد، ۰ = زن) و سن (سال و ماه) شامل شد. پدران همچنین وضعیت زیستی هر کودک (۱ = زیستی، ۰ = غیر زیستی) و اینکه آیا آن‌ها با کودک اقامت دارند (۱ = مقیم و ۰ = غیر مقیم) را گزارش دادند.

راهبرد تحلیل

با استفاده از رویکرد مدل خطی سلسله مراتبی^۱، اثرات پیش‌بینی‌کننده‌های سطح [ارتباط] کودک و پدر را بر اساس متغیرهای پیامد تعامل پدر [و فرزندان] که در

یکجانشینی پدر و طفل نقش دارند، بررسی کردیم. به‌منظور آزمایش تأثیرات تعدیل‌کننده شبکه‌های خویشاوندی بر تعامل پدر، ما تأثیرات اصلی حمایت و کیفیت رابطه و تعاملات آن‌ها با رفتار مجرمانه را شامل کردیم. به‌طور خاص، ما بر تعامل میان رفتار مجرمانه و حمایت دوگانگی از فرزندپروری پدرمدارانه (بسیار حمایت‌کننده) و کیفیت رابطه (عالی یا بسیار خوب) از هر پنج گروه افراد شبکه‌های خویشاوندی پدران: بستگان از طبقه مرد، بستگان از طبقه زن، مادر فرزندان، بستگان همسر از طبقه مرد و بستگان همسر از طبقه زن، تمرکز کرده‌ایم.

یک مدت تعاملی برای رفتار مجرمانه و هر تعدیل‌کننده (حمایت، کیفیت رابطه) برای پنج گروه در مدل‌های جداگانه‌ای وارد شد (به‌عنوان مثال، رفتار مجرمانه در برابر حمایت از جانب بستگان پدران از طبقه مرد، رفتار مجرمانه در برابر حمایت از جانب بستگان پدران از طبقه زن، رفتار مجرمانه در برابر کیفیت رابطه با بستگان همسر از طبقه زن و...). این مدل‌ها به ترتیب به ما امکان ارزیابی اثرات رفتار مجرمانه بر روی هشت پیامد ناشی از تعامل پدران در سطوح پایین حمایت و کیفیت رابطه در برابر سطوح بالای حمایت و کیفیت رابطه داد را می‌دهد.

برای هر یک از هشت پیامد، دو مدل تخمین زده شد: یکی شامل مدت تعامل میان رفتار مجرمانه در برابر حمایت (بالا در مقابل کم) و دیگری مدت تعامل میان رفتار مجرمانه در برابر کیفیت رابطه (بالا در مقابل پایین). این ۱۶ مدل پنج بار تخمین زده شد - یک‌بار برای هر دسته از افرادی در شبکه‌های اجتماعی پدران وجود داشتند. این کار منجر به ۸۰ مدل شد، مدت‌های تعامل و شیب تخمین در جدول ۲ ارائه شده است. (مجموعه کاملی از مدل‌ها با اثرات اصلی و کمک متغیرها برای صرفه‌جویی و به دلیل علاقه اصلی ما به تأثیرات متقابل ارزیابی شامل نیستند.)

ما فرض کردیم که درگیری مجرمانه به‌طور معناداری با تعامل پدر [و فرزندان] برای پدرانی که از سطح حمایت پایین و کیفیت رابطه پایین برخوردار هستند، ارتباط منفی داشته باشد و این ارتباط منفی برای پدرانی که دارای سطح بالایی از حمایت و کیفیت رابطه هستند، کاهش یابد (یعنی بی‌اهمیت) باشد. برای کمک به تفسیر

مدت‌های تعامل مهم، برآورد برنامه‌ریزی شده تأثیر ارتباط بین رفتار مجرمانه و تعامل پدر را در هر دو سطح حمایت و کیفیت رابطه نشان می‌دهد. همه مدل‌ها شامل اثرات اصلی، مدت‌های تعامل و مجموعه کاملی از کنترل‌ها برای ویژگی‌های پدران، از جمله درگیری مجرمانه در گذشته و کمک متغیرهای سطح کودک بوده‌اند. برای اهداف نمایشی (در پیوست B به صورت آنلاین موجود است)، یک مدل تحلیلی را در نماد مدل سلسله مراتبی خطی با تمرکز بر مسئولیت مالی به عنوان پیامد و حمایت از بستگان پدر از طبقه مرد را به عنوان تعدیل کننده تعیین می‌کنیم.

نتایج

آمار توصیفی

خصوصیات پدر و فرزند. جدول ۱ اطلاعات توصیفی را در مورد متغیرهای مستقل ارائه می‌کند. متوسط درآمد خانوار بین ۲۰,۰۰۰ تا ۲۴,۰۰۰ دلار بود. تقریباً ۳۲٪ پدران دارای مدرک تحصیلی کمتر از دبیرستان بودند و ۷۱٪ گزارش دادند که در حال حاضر مشغول کار هستند. ۷۱٪ پدران سیاه‌پوست بودند و ۲۹٪ باقی مانده خود را اسپانیایی تبار یا نژاد / قوم دیگر معرفی کردند. تقریباً یک چهارم پدران (۲۴٪) متأهل، ۳۸٪ زندگی مشترک و بقیه (۳۸٪) مجرد بودند. پدران به طور متوسط دو فرزند داشتند که بیشتر آن‌ها (۵۲٪) مرد بودند. بچه‌ها به طور متوسط ۴/۷ ساله بودند و اکثریت آن‌ها (۸۴٪) از نظر زیست‌شناختی به پدرانشان مربوط بودند. بیش از نیمی از آن‌ها (۵۴٪) با پدرشان زندگی می‌کردند.

حمایت و کیفیت رابطه. بیش از نیمی از پدران (۵۷٪) حمایت بالایی از بستگان [طبقه] مرد خود را درباره تشویق برای پدر بودن گزارش دادند (جدول ۱). به همین ترتیب، روابط حمایتی در میان بستگان [طبقه] زن آن‌ها (۷۱٪) و نزدیک به سه چهارم (۷۳٪) گزارش شده است که از جانب مادران فرزندان خود حمایت دریافت می‌کنند. با وجود حمایت بسیار بالا از جانب مادر فرزندان، پدران گزارش کردند که حمایت چندانی از جانب - اقوام مرد مادران (۳۸٪)، بستگان زن (۴۲٪) - دریافت نمی‌کنند.

جدول ۱
مشخصات نمونه

متغیرها	M ± SD or N (%)		
ویژگی‌های پدر			
^{a,c} درآمد خانوار	5.8	±	2.7
تحصیلات ^a			
دبیرستان یا تحصیلات بالاتر از آن	102.0		68.5%
مدرسه ابتدایی یا تحصیلات کمتر از آن	47.0		31.5%
مشغل فعلی ^a	105.0		70.5%
نژاد/قومیت			
سیاه‌پوست غیر اسپانیایی تبار	106.0		71.1%
اسپانیایی یا نژاد دیگر/قومیت	43.0		28.9%
^a حالت مدنی رابطه			
متاهل	35.0		23.5%
زندگی مشترک	57.0		38.3%
مجرد	57.0		38.3%
^a تعداد اطفال	2.1	±	1.1
خصوصیات طفل	173.0		51.6%
^b مرد			
^b زن	4.7	±	3.4
^b طفل زیستی	280.0		83.6%
^b اطفالی که با پدر خود زندگی می‌کنند	181.0		54.0%
(برخوردار از حمایت بالا) ^d حمایت			
^a بستگان پدر از طبقه مرد	85.0		57.1%
^a بستگان پدر از طبقه زن	105.0		70.5%
^b مادران	243.0		72.5%
^b بستگان مادر از طبقه مرد	128.0		38.2%
^b بستگان مادر از طبقه زن	142.0		42.4%
(ایده‌آل یا بسیار عالی) ^c کیفیت رابطه	114.0		76.5%
^a بستگان پدر از طبقه مرد			
^a بستگان پدر از طبقه زن	123.0		82.6%
^b مادران	230.0		68.7%
^b بستگان مادر از طبقه مرد	188.0		56.1%
^b بستگان مادر از طبقه زن	171.0		51.0%
^a وضعیت جنایی فعلی			
ناپزه‌کار	39.0		26.2%

بزهکاران جرائم کوچک با تکرار جرم پایین	25.0	16.8%
بزهکاران جرائم کوچک با تکرار جرم متوسط یا بزهکاران جرائم کمتر از جرائم شدید	42.0	28.2%
بزهکاران جرائم کمتر شدید با تکرار جرم بالا یا جرائم شدید با تکرار جرم پایین	15.0	10.1%
بزهکاران جرائم کمتر شدید با تکرار جرم بالا یا جرائم شدید با تکرار جرم بالا	28.0	18.8%

یادداشت^۱

گزارش‌های پدران در مورد کیفیت رابطه با اقوام مشابه گزارش‌های حمایت از آن‌ها بود. آن‌ها روابط عالی یا بسیار خوب با خویشاوندان خود را در میزان شیوع بالاتر از بستگان مادران نشان دادند - به ترتیب ۷۷٪ و ۸۳٪ با مردان و مردان پدر، در مقایسه با ۵۶٪ و ۵۱٪ با زن و مرد مادر بستگان، به ترتیب. تقریباً ۶۹٪ پدران گزارش کردند که با مادران فرزندان خود روابط با کیفیت بالایی دارند.

رفتار مجرمانه: گزارش پدران از رفتار مجرمانه خودشان نشانگر تنوع قابل توجهی در فراوانی و میزان شدت فعالیت غیرقانونی سال گذشته است. بیش از یک چهارم پدران که (۲۶٪) آن‌ها گزارش کردند که هیچ‌گونه مشارکت در رفتارهای غیرقانونی در سال گذشته نداشتند (نمره = ۰) و ۱۷٪ آن‌ها تخلفات جزئی با تکرار پایین (نمره = ۱) را گزارش کردند. حد وسط مقیاس (نمره = ۲) ۲۸٪ پدران را درگیر جرائم جزئی با تکرار متوسط یا جرائم بزرگ با شدت کمتر تشخیص داده است. در نهایت، ۱۰٪ پدران با تکرار بالای جرائم شدید یا تکرار پایین جرائم شدید و ۱۹٪ درگیر با تکرار

۱. M. یعنی میانگین و SD یعنی انحراف استاندارد.

(a) متغیرهای اندازه‌گیری شده در سطح پدر (۱۴۹).

(b) متغیرهای اندازه‌گیری شده در سطح طفل (۳۳۵).

(c) میزان درآمد خانوار از ۱ تا ۹ = کم‌تر از ۵,۰۰۰ دلار؛ ۹ = بیشتر از ۵۰,۰۰۰ دلار.

(d) مقیاس حمایت: ۱ = بسیار حامی، ۰ = تا حدودی حامی، تلاش می‌کند تا از داشتن رابطه با کودک جلوگیری کند، یا به هیچ‌وجه به آن توجه نکند.

(e) مقیاس کیفیت رابطه: ۱ = عالی یا بسیار خوب؛ ۰ = خوب، منصفانه یا ضعیف است.

بسیار بالای جرائم شدید یا تکرار بالای جرائم شدیدتر درگیر شدند.

آثار تعدیل‌کننده‌ها

اکنون به نتایج تجزیه و تحلیل ارزیابی اثرات تعدیل‌کننده کیفیت رابطه و حمایت بر ارتباط میان رفتار مجرمانه و تعامل پدر [و فرزندان] روی می‌آوریم. جدول ۲ آزمون معناداری را در مورد رفتار مجرمانه x حمایت و رفتار مجرمانه x تعاملات حمایتی و آثار تخمینی آن مبتنی بر سطح بالا یا پایین کیفیت و حمایت روابط ارائه می‌کند. **بستگان پدران.** در میان بستگان پدران از طبقه مرد، تعاملات حمایتی قابل توجه میان رفتار مجرمانه و حمایت برای دو معیار تعامل پدر وجود دارد: می‌تواند فرزند خود را ببیند ($z = 2.17, p < .05$) و مسئولیت مالی ($z = 2.48, p < .05$). برای هر دو پیامد، سطوح بالاتر رفتار مجرمانه با تعامل پایین‌تر پدران همراه با حمایت کم، همراه بود (می‌توانید فرزند خود را ببیند: $B = -.09$ ، $SE = .08$ ؛ مسئولیت مالی: $B = -.04$ ، $SE = .02$)، اگرچه این ارتباط منفی از نظر آماری فقط برای مسئولیت مالی معنی‌دار بود. در میان پدرانی که از حمایت بالایی برخوردار بودند، رفتار مجرمانه در هر دو نتیجه، ارتباط معناداری ارتباط نداشت. تعامل معنادار نشان می‌دهد که داشتن بستگان مرد که بسیار حامی باشند ممکن است به‌عنوان یک محافظ در برابر ارتباط منفی مشاهده‌شده بین رفتار مجرمانه و تعامل پدر در مواردی که حمایت از پدر کم است، عمل کند.

شکل ۱ تعامل و دامنه‌های شیب ساده را برای تأثیر رفتار مجرمانه بر روی یکی از پیامدهای تعامل پدر - مسئولیت مالی - در دو سطح: حمایت زیاد و پایین، از بستگان پدر از طبقه مرد را ترسیم می‌کند. شکل نشان می‌دهد که در سطح پایین حمایت از پدران توسط بستگان از طبقه مرد آن‌ها، رفتار مجرمانه پدران با مسئولیت مالی آن‌ها ارتباط منفی داشت (به‌عنوان مثال، رفتار مجرمانه افزایش یافته و کمک مالی برای فرزندان کاهش یافته). در سطح بالایی از حمایت، رفتار مجرمانه با کمک مالی پدران ارتباط مثبت داشت، اگرچه این ارتباط از نظر آماری معنی‌دار نبود.

جدول 2

تأثيرات تعامل بين رفتار مجرمانه و حمايت از زندگي و كيفيت ارتباط با خانواده ، پدران و مادران پدران

متغيرهاي وابسته	حمليت						كيفيت رابطه					
	0 = پايين			1 = بلند			0 = پايين			1 = بلند		
	x رفتار مجرمانه			x رفتار مجرمانه			x رفتار مجرمانه			x رفتار مجرمانه		
	ESr	SE	B	ESr	SE	B	ESr	SE	B	ESr	SE	B
(z)												

بستگان پدر از طبقه مرد												
دستري												
طفل را مي تواند ببيند	0.17	0.11y	20.19	0.06	0.09	2.41*	0.12	0.08	20.09	0.07y	0.11	2.17*
طفل را مي بيند	0.13	0.07*	20.15	0.04	0.04	2.52*	0.02	0.05	20.01	0.04	0.02	0.51
درگيري (تعامل با کودک)												
تفريح	0.15	0.11y	20.20	0.06	0.06	2.06*	0.02	0.08	20.03	0.07	0.01	20.34
تحصيلات	0.15	0.13*	20.30	0.07	0.01	2.11*	0.03	0.10	20.01	0.08	0.08	20.56
مواظبت	0.17	0.11y	20.20	0.06*	0.12	2.59*	0.03	0.08	20.02	0.07	0.08	0.62
مسئوليت												
برنامهريزي	0.14	0.03*	20.07	0.01	20.01	1.92y	0.05	0.02y	20.03	0.02	20.01	0.92
مالي	0.14	0.03*	20.06	0.02	0.00	1.99*	0.14	0.02*	20.04	0.02	0.02	2.48*
نفوذ	0.20	0.03*	20.06	0.01	0.02	2.46*	0.05	0.02	20.01	0.02	0.01	0.94

بستگان پدر از طبقه زن												
دستري												
طفل را مي تواند ببيند	0.10	0.13	20.10	0.06	0.06	1.15	0.07	0.10	20.06	0.06	0.06	1.13
طفل را مي بيند	0.09	0.08	20.11	0.04	0.02	1.47	0.02	0.06	20.02	0.04	20.003	20.38
درگيري (تعامل با کودک)												
تفريح	0.08	0.14	20.11	0.06	0.03	0.99	0.06	0.10	20.09	0.06	20.01	20.89
تحصيلات	0.08	0.16	20.19	0.07	20.02	0.99	0.05	0.12	20.03	0.07	20.08	20.84
مواظبت	0.09	0.13	20.08	0.06	0.08	1.12	0.06	0.10	20.04	0.06	0.03	20.99

مسئوليت												
برنامهريزي	0.02	0.03	20.03	0.01	20.02	0.08	0.06	0.02	20.003	0.01*	20.03	21.03
مالي	0.02	0.03	20.02	0.02	20.01	0.46	0.00	0.03	20.01	0.02	20.01	0.23
نفوذ	0.07	0.03	20.02	0.01	0.01	0.75	0.03	0.02	0.01	0.01	20.001	20.51

مادران دسترسی												
می‌تواند طفل را ببیند	2.89**	0.11	0.06y	20.17	0.09y	0.17	1.69	0.10	0.06	20.06	0.08	0.10
طفل را می‌بیند	1.59	0.03	0.04	20.07	0.06	0.07	1.18	0.04	0.04	20.04	0.05	0.05
درگیری (تعامل با کودک)												
تفریح	20.20	0.003	0.06	0.02	0.09	0.01	0.04	0.01	0.07	0.01	0.09	0.00
تحصیلات	20.53	20.07	0.07	20.01	0.12	0.03	1.01	20.01	0.08	20.13	0.10	0.06
مواظبت	20.23	0.05	0.06	0.07	0.09	0.01	0.46	0.07	0.07	0.02	0.09	0.03
مسئولیت												
برنامه‌ریزی	0.80	20.02	0.01	20.04	0.02y	0.05	1.15	20.01	0.02	20.04	0.02y	0.07
مالی	1.94y	0.01	0.02	20.04	0.02y	0.11	0.37	20.003	0.02	20.01	0.02	0.02
نفوذ	1.49	0.01	0.01	20.02	0.02	0.07	0.84	0.01	0.02	20.01	0.02	0.05

بستگان مادر از طبقه مرد دسترسی												
می‌تواند طفل را ببیند	0.68	0.06	0.08	0.002	0.07	0.03	1.20	0.09	0.07	20.02	0.08	0.07
طفل را می‌بیند	1.44	0.05	0.05	20.04	0.04	0.06	1.06	0.04	0.05	20.03	0.05	0.05
درگیری (تعامل با کودک)												
تفریح	20.92	20.04	0.08	0.04	0.07	0.05	21.33	20.05	0.07	0.09	0.08	0.08
تحصیلات	20.77	20.10	0.09	20.02	0.08	0.04	20.76	20.08	0.08	0.00	0.09	0.04
مواظبت	20.17	0.04	0.08	0.06	0.07	0.01	21.08	0.01	0.07	0.12	0.08	0.06
مسئولیت												
برنامه‌ریزی	20.07	20.03	0.02	20.02	0.02	0.02	1.13	20.01	0.02	20.03	0.02y	0.05
مالی	1.44	0.01	0.02	20.02	0.02	0.07	1.79y	0.02	0.02	20.03	0.02	0.11
نفوذ	0.40	0.01	0.02	20.002	0.02	0.03	2.00*	0.03	0.02	20.02	0.02	0.12

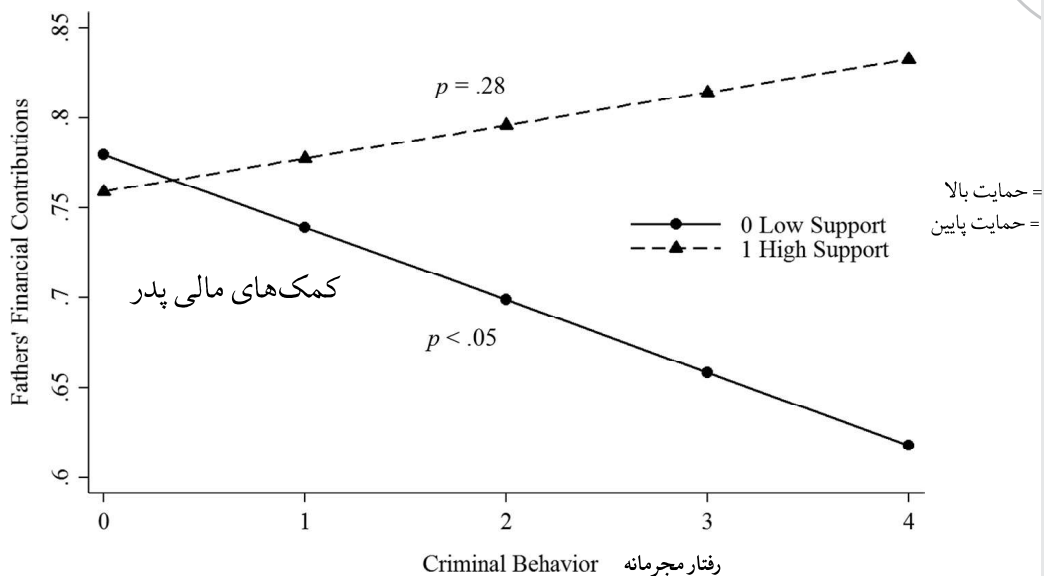
بستگان مادر از طبقه زن												
دسترسی												
می‌تواند طفل را ببیند	1.22	0.09	0.07	20.02	0.07	0.07	1.55	0.12	0.08	20.03	0.07	0.09
طفل را می‌بیند	0.85	0.03	0.05	20.02	0.04	0.03	2.24*	0.09	0.05y	20.06	0.05	0.10
درگیری (تعامل با کودک)												
تفريح	21.61	20.08	0.08	0.08	0.07	0.09	20.67	20.02	0.08	0.05	0.07	0.04
تحصيلات	21.32	20.13	0.09	0.01	0.08	0.07	0.52	20.01	0.09	20.07	0.09	0.03
مواظبت	21.03	0.00	0.08	0.10	0.07	0.05	0.31	0.08	0.08	0.05	0.07	0.02
مسئوليت												
برنامه‌ريزي	0.04	20.02	0.02	20.02	0.02	0.00	0.94	20.01	0.02	20.03	0.02y	0.05
مالي	0.41	20.003	0.02	20.01	0.02	0.02	1.28	0.01	0.02	20.02	0.02	0.07
نفوذ	0.23	0.005	0.02	0.00	0.02	0.01	2.01	0.03	0.02y	20.02	0.02	0.12

یادداشت. اثرات متقابل از مدل‌های خطی سلسله مراتبی پیش‌بینی درگیری پدر (149 پدر = N، 335 فرزند N). حمایت و تشویق دیگران برای پدر بودن: 1 = بسیار حمایت‌کننده (حمایت بالا)؛ 0 = تا حدی حمایت‌کننده، سعی می‌کند پدر را از برقراری رابطه با کودک باز دارد، یا به یک راه یا راه دیگر اهمیتی نمی‌دهد (حمایت پایین). کیفیت رابطه با دیگران: 1 = عالی یا بسیار خوب (کیفیت رابطه بالا). 0 = خوب، منصفانه یا ضعیف است. رفتار مجرمانه = رفتار مجرمانه؛ کیفیت رابطه = کیفیت رابطه؛ B = ضریب رگرسیون استاندارد نشده SE = خطای استاندارد؛ ESr = اندازه اثر تخمینی با استفاده از معیار ضریب همبستگی. اندازه اثر به‌عنوان تفاوت در پارامترهای تبدیل شده به معیار همبستگی با تقسیم بر حاصل از انحراف معیارهای رفتار مجرمانه و درگیری پدر محاسبه شد: $ESr = (b_{High} - b_{Low}) / (s_{Criminal} - s_{Civil})$ Behavior * sFatherInvolment). طبق قرارداد، اندازه اثر $r = 0.1$ "کوچک" و $r = 0.3$ "متوسط" است.

$$y p < .1$$

$$p < .05 *$$

$$p < .01 **$$



شکل ۱: ارتباط بین رفتار مجرمانه پدران و کمک‌های مالی در سطح بالا و پایین حمایت از بستگان مرد پدران. ارتباط‌ها از اولین نتایج مدل در جدول ۲ (پیش‌بینی‌های مسئولیت مالی با اثرات متقابل بین رفتار مجرمانه و حمایت از بستگان مرد پدران) ترسیم شده‌اند.

سازگارترین الگوی یافته‌ها در میان همه مدل‌ها با تعاملات قابل توجهی بین رفتار مجرمانه $\times$ کیفیت رابطه در بستگان پدر از طبقه مرد، مشاهده شد. این مورد دربارهٔ هفت پیامد درگیری پدر وجود داشت: می‌تواند فرزند خود را ببیند ($z = 2.41, p < .05$)؛ فرزند خود را می‌بیند ($z = 2.59, p < .05$)؛ تفریح ($z = 2.06, p < .05$)؛ آموزش ($z = 2.11, p < .05$)؛ مراقبت ($z = 2.46, p < .05$)؛ مسئولیت مالی ($z = 1.99, p < .05$)؛ و نفوذ ($z = 2.46, p < .05$). همانند حمایت، در میان پدرانی که کیفیت رابطه پایینی با بستگان مرد خود داشتند، رفتار مجرمانه با تعامل پدر برای چهار پیامد از هفت پیامد (کودک را می‌بیند، تحصیلات، مسئولیت مالی و نفوذ) منفی بود و برای سه پیامد (می‌تواند کودک را ببیند، تفریح و مراقبت کند) بسیار ناچیز است. به زبان ساده، در میان پدرانی که رابطه با کیفیت بالایی را با بستگان مرد گزارش کرده‌اند، یک اثر منفی رفتار مجرمانه بر تعامل پدر مشاهده شده در روابط با کیفیت پایین وجود دارد. مادران. در مورد حمایت مادران و کیفیت ارتباط آن‌ها با پدران، ما یک رابطه

دوطرفه قدرتمند پیدا کردیم: رفتار مجرمانه x حمایت برای دیدن کودک ($p = 2.89, z = 2.01$). در بین پدرانی که از مادران حمایت کمی دریافت کردند، رفتار مجرمانه با توانایی درک شده برای دیدن کودک ارتباط منفی داشت ($B = -.17, SE = .09, p < .10$)
بستگان مادران. با توجه به بستگان مادران، ما فقط در دو مورد رابطه دوطرفه قدرتمند یافتیم: رفتار مجرمانه x کیفیت روابط (الف) بستگان مادران از طبقه مرد نفوذ دارند ($p < .05, z = 2.00$)؛ و (ب) بستگان مادران از طبقه زن کودک را می بینند ($p < .05, z = 2.24$).
 با این حال، در صورت وجود روابط با کیفیت بالا، ارتباط بین رفتار مجرمانه و تعامل پدر مثبت بود اما در یک مورد (تأثیر) بی اهمیت بود و در مورد دیگر (کودک را می بیند) حاشیه ای قابل توجه بود. در صورت وجود روابط با کیفیت پایین، ارتباط منفی بود اما برای هر دو پیامد بی اهمیت بود.

بحث

در تحقیقات پدری^۱ به نقش اقامتگاه پدر (Nepom- & Moore, 2000; Greene & Carl- & Garfinkel, 2011) و ویژگی های رابطه والدین توجه شده است (son & Magnuson, 2011). اگرچه [این عوامل] مهم است از نقش زمینه های اجتماعی پدران (به عنوان مثال، روابط با افراد در شبکه گسترده و درگیر شدن در رفتارهای پرخطر) و اینکه چگونه حمایت اجتماعی و روابط ممکن است بر تعامل پدران با فرزندانشان تأثیر بگذارد، چشم پوشی می کنند. این مطالعه ارتباط رفتار مجرمانه و تعامل پدر [با فرزندان] و نقش تعدیل کننده خانواده گسترده و مادران را بررسی کرده است. اگرچه شواهد قبلی حاکی از آن است که رفتار مجرمانه [پدران] به طرق مختلف برای کودکان مشکل ساز است (Jaffee et al., 2005; Fergusson et al., 2006) اما در مورد نقش افراد شبکه های اجتماعی پدران در این فرایندها کاوش محدودی صورت گرفته است.

یافته های این مطالعه نشان می دهد که تأثیر رفتار مجرمانه بر تعامل پدر [و فرزندان] به سطح حمایت و کیفیت رابطه پدر با افراد در شبکه وی بستگی دارد.

به‌طور خاص، رفتار مجرمانه با تعامل پدر زمانی ارتباط منفی داشته که پدران با بستگان خود از طبقه مرد (مثلاً عموها، برادران) روابط کم کیفیتی داشتند. برعکس، ما هیچ ارتباطی بین رفتار مجرمانه و تعامل پدر در روابط با کیفیت بالا با بستگان پدر از طبقه مرد مشاهده نکردیم. این نشان می‌دهد که پدران با داشتن روابط قوی و مثبت با خویشاوندان مرد، ممکن است اثرات منفی رفتار مجرمانه بر تعامل پدر را که از طریق جدا شدن پدر از فرزندان نشان ظاهر می‌شود، کاهش دهد. ما این نتیجه را در هفت پیامد ناشی از تعامل پدر پیدا کردیم: دسترسی (دسترسی به کودک و تماس با کودک)؛ درگیری (تفریح، آموزش و مراقبت)؛ و مسئولیت (مسئولیت مالی و نفوذ). ما برای پدرانی که میزان حمایت و تشویق بالایی پدر بودن از بستگان مرد را گزارش کردند، نتایج جزئی‌تری یافتیم. به این معنی که رفتار مجرمانه با مسئولیت مالی زمانی ارتباط منفی داشت (اما نه در سایر نتایج) که پدران میزان پایین حمایت از بستگان خود از طبقه مرد را گزارش کردند.

یافته‌های ما ممکن است با تحقیقات قبلی توضیح داده شود که نشان می‌دهد تجربه یک پدر در خانواده اصلی خود برای تعاملاتی که با فرزندان خود دارد تأثیراتی دارد (Beaton & Doherty, 2007). شواهد نشان می‌دهد مردانی که پدران پرورشی بسیار تعامل کننده داشتند، به احتمال زیاد از طریق شناسایی و مدل‌سازی [تجاربشان] با فرزندان خود تعامل و تکرار می‌کنند (Belsky, 1984). مردانی که پدرهای غیر تعامل کننده داشتند ممکن است با فرزندان خود تعامل کنند، اما این تعامل از طریق فرایندهای جبرانی است که در آن رفتار متفاوتی را که با آنها شده با فرزندان اعمال می‌کنند (Belsky, 1984).

در مطالعه حاضر، ممکن است این‌گونه باشد که پدرانی که با پدران خود (یا با دیگر شخصیت‌های برجسته مذکر) رابطه نزدیک داشتند، در بزرگسالی جوان و در مراحل اولیه فرزندپروری با فرزندان خود، پیوندهای مشابهی داشته باشند. اگر این روابط واقعاً ادامه داشته باشد، ممکن است فرصت‌هایی برای انجام رفتارهای اجتماعی (تعامل مثبت پدر) از طریق مدل‌سازی با وجود سایر رفتارهای پرخطر و

ضد اجتماعی (فعالیت مجرمانه) فراهم شود.

آنچه مشخص نیست این است که آیا پدران در مطالعه ما از روابط نزدیک‌تر و پرورشی با پدران خود (یا سایر چهره‌های مرد) که با گذشت زمان تغییر کرده و بعداً از کیفیت و حمایت بالاتری برخوردار شده‌اند، شروع کرده‌اند یا از ابتدا این‌گونه شروع کرده‌اند. مورد عدم اطمینان دیگر این است که پدران هنگام گزارش روابط با کیفیت بالا و حمایت‌کننده، به چه کسی در خانواده گسترده مرد (به‌عنوان مثال پدر، دایی، پسرعمو، خواهر و برادر) فکر می‌کردند. تحقیقات کیفی در مورد شبکه‌های خویشاوندی پدران کم‌درآمد نشان می‌دهد که سیستم‌های خویشاوندی می‌توانند متنوع و پیچیده باشند، طیف گسترده‌ای از خویشاوندان زن و مرد و غیر در شبکه حمایت اجتماعی مربوط به خانواده، فرزندپروری و تربیت فرزند نقش دارند (Roy & Vesely, 2010). تحقیقات آینده می‌تواند تنوع در شبکه‌های خویشاوندی را کشف کند تا بهتر فهمید که کدام اعضای نهاد خانواده و از چه راه‌های برای تعامل پدر از همه مهم‌تر هستند.

مجموعه دوم یافته‌ها مربوط به ارتباط پدران با مادران فرزندانشان و بستگان مادران است. بازهم ارتباط رفتار مجرمانه و تعامل پدر به میزان حمایت و کیفیت روابط پدر با دیگران بستگی داشته است. به‌طور خاص، همان‌طور که انتظار می‌رفت، هنگامی که مادران حمایت کمتری از پدر داشتند، رفتار مجرمانه با سطح پایین‌تری از تعامل پدر (دسترسی به فرزند) همراه بود. برخلاف انتظار، رفتار مجرمانه همچنین با حمایت بیشتر مادران از پدران با تعامل پدران در ارتباط بود. الگوی مشابهی برای ارتباط بین رفتار مجرمانه و پدرانی که واقعاً فرزندان خود را در حضور روابط با کیفیت بالا با اقوام زن مادر مشاهده می‌کنند، پیدا شد. به‌طور خلاصه، این مجموعه از نتایج نشان داد که دو گروه بالقوه به‌هم‌پیوسته - مادران و بستگان مادران از طبقه زن - در تعدیل رابطه بین رفتار مجرمانه و تعامل پدر نقش داشتند. به‌طور خاص، این افراد بر میزان درک پدران از تعداد دفعات مشاهده فرزندانشان در شرایط خاص رابطه‌ای تأثیر داشتند. برخلاف معیارهای مستقیم تعامل پدر (مثلاً تأثیر در تصمیم‌گیری‌های مهم)، ممکن است این‌گونه باشد که مادران و بستگان زن آن‌ها نقش دروازه‌بان داشته

باشند و بر دسترسی پدر و فرزند تأثیر بگذارند (یعنی زمان واقعی و ارتباطی که کودک با پدرش دارد).

یافته‌های مربوط به دروازه‌بانی مادران تا حد زیادی با تحقیقات دیگر در مورد نقش اساسی مادران و خویشاوندان در میانجی‌گری روابط پدر و فرزند همسو است (Doherty et al., 1998). به‌عنوان مثال، پدرانی که با خویشاوندان مختلف یا از نزدیکان از جمله مادران، مادر بزرگ‌ها یا خواهر و برادرهای خود - زندگی می‌کنند اغلب به این افراد اعتماد می‌کنند تا از فرزندان خود در هنگام کار، مشاغل یا معاشرت مراقبت کنند (Hamer & Marchioro, 2002). توضیح دیگر این است که مادران و خویشاوندان ممکن است نقش دروازه‌بان را ایفا کنند که مانع فعالیت‌های تعامل پدر شود (Fagan & Barnett, 2003; McBride et al., 2005). اگرچه بسیاری از تحقیقات در این زمینه با نمونه‌هایی از خانه‌های پدر غیرمقیم انجام شده است، اما شواهد دیگر به نقش دروازه‌بانی مادر حتی در هنگام ازدواج یا زندگی مشترک والدین اشاره دارد (Schoppe-Sullivan, Brown, Cannon, Mangelsdorf, & Sokolowski, 2008). این مجموعه کار به‌طور کلی دریافت که درک و نگرش مادران درباره پدر، و همچنین رفتار مادران (به‌عنوان مثال تشویق فعالانه پدر)، رفتارهای تعامل‌گرایانه پدر را شکل می‌دهد. اگرچه تحقیقات در مورد دروازه‌بانی مادر بسیار قابل توجه است، اما تحقیقات کمتری در مورد خویشاوندان زن گسترده در شبکه مادر انجام شده است. این باید تحقیقات آینده باشد تا درک گسترده و عمیق شبکه‌های اجتماعی در تأثیرگذاری بر رفتار پدر را افزایش دهد.

محدودیت‌ها

مطالعه ما محدودیت‌هایی دارد که پذیرفتن آن‌ها مهم است. با توجه به اشکال متعدد تعامل پدر اندازه‌گیری شده و منابع حمایت از پدر و کیفیت زندگی با اعضای خانواده، این تجزیه و تحلیل شامل تعداد زیادی (۸۰) اثر تعامل است. اگرچه ما معتقد نیستیم که نتایج کاملاً شانس‌پس است، اما این تجزیه و تحلیل‌ها باید اکتشافی در نظر گرفته شود و این یافته‌ها باید با نمونه دیگری تأیید شود. با این وجود، احتمال

اینکه تعداد تأثیرات متقابل قابل توجه به دست آمده را می توان تنها با یک شانس تصادفی توضیح داد (به عنوان مثال، به دست آوردن ۱۲ اثر یا بیشتر قابل توجه در $p < .05$ از ۸۰ مدل) در $p = 0006$ بسیار کم است.

به علاوه، به دلیل چگونگی پرسیدن سؤال، ما نمی توانیم تشخیص دهیم که پاسخ دهنده وقتی در مورد روابط با بستگان زن و مرد و حمایت از آن ها سؤال می شود، به چه کسی در خانواده بزرگ اشاره می کند. به عنوان مثال، اگر پدر میزان حمایت بالایی از بستگان مرد را گزارش کند، ما نمی دانیم که منظور او پدرش، پدر بزرگش، دایی یا یکی دیگر از اقوام مرد است. در مورد اقوام زن هم همین طور است. معیارهای که امکان شناخت افراد شبکه را فراهم می کند، درک ما را از نقشی که اعضای خاص خانواده در تعامل پدران بازی می کنند، بهبود می بخشد.

به همین ترتیب، ما در درک چگونگی تحقق سطح بالایی از کیفیت و حمایت از روابط با محدود مواجه هستیم. به عنوان مثال، حمایت و تشویق برای پدر شدن چگونه به پدرانی ابراز می شود که سطح بالایی از چنین رفتاری را توسط افراد در شبکه خود تأیید می کنند؟ آیا چنین رفتاری از طریق تشویق عاطفی، کمک های ملموس به کودک از طرف او، فرزندپروری مشارکتی یا سایر اشکال حمایت بیان می شود؟ باز هم داشتن اقدامات دقیق تر می تواند درک بیشتری از سازوکارهایی را که از طریق آن روابط و حمایت بر درگیری پدر و به طور بالقوه بر نتایج کودک تأثیر می گذارد، فراهم کند. عدم نمایندگی نمونه ما محدودیت دیگری ایجاد می کند (شرکت کنندگان عمدتاً آفریقایی آمریکایی و اسپانیایی تبار از یک جامعه کم درآمد و درون شهری بودند). بنابراین، ما نمی توانیم این یافته ها را به گروه های دیگر تعمیم دهیم. در آخر، لازم است ناتوانی ما در جداسازی تعامل والدین از تأثیرات ژنتیکی بالقوه برجسته شود. مطالعات تعامل زن و محیط یک مؤلفه ژنتیکی قابل توجه در رفتار ضد اجتماعی را شناسایی کرده است (e.g., Schneider, Michaels, & Bouris, 2012) با این حال، مطالعه ما نمی تواند به طور تجربی نقشی را که ژنتیک در رفتار ضد اجتماعی، تعامل والدین و زمینه اجتماعی بزرگ تر شرکت کنندگان در آن دارد، بررسی کند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تجربی ما مکمل مطالعات کیفی - حمایت اجتماعی از طرف شرکا و اعضای خانواده برای تعامل پدر خصوصاً برای پدران آمریکایی آفریقایی تبار از محله‌های کم‌درآمد بسیار مهم است (Summers, Boller, & Raikes, 2004) و در مورد ارتباط بین مادران، خانواده بزرگ مادران و مشارکت پدر مؤید کارهای قبلی در این زمینه است. چنان‌که اشاره شد به نظر می‌رسد وضعیت در ایران نیز مانند آمریکا است و رابطه پدران با فرزندان بر بزهکاری آنان تأثیر دارد. این امر بدان معناست که نتایج تحقیق انجام شده در آمریکا به ایران و احتمالاً کشورهای دیگر که به لحاظ اجتماعی، اقتصادی مشابه آمریکا و ایران هستند نیز قابل تعمیم است و عوامل جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی تأثیری بر عملکرد اثر رابطه با کیفیت و تعداد بالا بر تعامل پدران با فرزندان ندارد. جهت تأثیر بستگی به میزان و کیفیت رابطه دارد. با این حال، با توجه به تعداد معیارهای تعامل پدر در مطالعه ما، این یافته‌ها به‌طور کلی متوسط بود. قوی‌ترین الگوی نتایج ما چیز متفاوتی را نشان می‌دهد: بستگان مرد از خانواده پدر ممکن است برای تعامل کردن با فرزندان او مهم باشند. این یافته غیرمنتظره‌ای بود با توجه به تعداد زیادی از پدران نمونه ما که در معرض خطر بزرگ شدن در یک خانه مادر تنها و بدون پدرشان بودند (Hamilton, Martin, & Ventura, 2009). با این وجود، شواهد تجربی، تنوع قابل توجهی در ارتباط پدر - به‌ویژه در میان پدران غیر مقیم - را نشان می‌دهد که بیانگر آن است که قطع مداوم ارتباط با فرزندان در طول زمان، کل ماجرا را بیان نمی‌کند. همان‌طور که در سایر مطالعات بهداشت اجتماعی و رفتاری اتفاق افتاده است که در آن شبکه‌های خانوادگی مرد یا همسالان مرد به‌عنوان پیوندهای مهم رفتارهای ارتقادهنده سلامت شناسایی شده‌اند (e.g., Schneider, Michaels, & Bouris, 2012)، ممکن است این مورد باشد که خویشاوندان مرد، نقش مهمی در زندگی پدران جوان دارند به طریقی که محققان تازه فهمیده‌اند. این ممکن است در آینده اهمیت داشته باشد زیرا محققان و پزشکان برای ایجاد مداخلات پیشگیرانه که سلامت کودک را از طریق مشارکت مثبت پدر و

حمایت از خانواده گسترده ارتقا می‌دهند، تلاش کنند.

نتایج حاصل از این مطالعه ممکن است عملکرد فعلی مددکاری اجتماعی و تحقیقات آینده را مستفید کند. یافته‌های برجسته در این مطالعه حاکی از آن است که پدرانی که روابط خویشاوندی با خویشاوندان مرد خود دارند، ممکن است به‌رغم درگیری در فعالیت‌های جنایی، در برابر جدا شدن از فرزندانشان محافظانه عمل کنند. مددکاران اجتماعی می‌توانند هنگام تعامل کردن پدران و فرزندانشان، از یک رویکرد گسترده و جامع با تأکید ویژه بر کمک به پدرها در شناسایی و فراخوانی الگوهای برجسته مرد در شبکه خانواده خود استفاده کنند. این ممکن است شامل کمک به «پل» اعضای خانواده یکی باشد تا پدران بتوانند از ارتباط مثبت خویشاوندان مرد متصل شده و از آن‌ها بهره‌مند شوند. برای پدرانی که از قبل ارتباط خوبی با خویشاوندان مرد ندارند، مددکاران اجتماعی همچنین می‌توانند در شناسایی افرادی در جامعه پدران که می‌توانند نقش مربی خانوادگی یا خویشاوند خیالی را بازی کنند برای کمک به پدر در هنگام پیگیری اهداف پدرش کمک کنند. ما پیشنهاد نمی‌کنیم که خویشاوندان مرد پدر تنها اعضای مهم خانواده هنگام تلاش برای افزایش درگیری پدر باشند. مادران در این فرایند نقش اساسی دارند و همان‌طور که این مطالعه نشان می‌دهد، آن‌ها به‌ویژه برای دسترسی پدر و کودک از طریق رفتارهای احتمالی دروازه‌بان بودن مادران بسیار مهم هستند. با این حال، برنامه‌های مشارکت پدر و والدین می‌تواند فراتر از استراتژی‌های متمرکز بر پدر و مادر و کودک باشد و به سایر اعضای خانواده بزرگ که می‌توانند تأثیر قابل توجهی در جلوگیری از جدا شدن رابطه از پدر و فرزندان داشته باشند، حضور یابد.

References

1. Beaton, J. M., & Doherty, W. J. (2007). Fathers' family of origin relationships and attitudes about father involvement from pregnancy through first year postpartum. *Fathering*, 5(3), 236–245. <http://dx.doi.org/10.3149/fth.0503.236>.
2. Belsky, J. (1984). The determinants of parenting: A process model. *Child Development*, 55, 83– 96. <http://dx.doi.org/10.2307/1129836>.
3. Bouchard, G., & Lee, C. M. (2000). The marital context for father involvement with their pre- school children: The role of partner support. *Journal of Prevention & Intervention in the Community*, 20(1–2), 37–53. http://dx.doi.org/10.1300/J005v20n01_04.
4. Cabrera, N. J., Moore, K., Bronte-Tinkew, J., Halle, T., West, J., Brooks-Gunn, J., ... Boller, K. (2004). The DADS initiative: Measuring father involvement in large-scale surveys. In.
5. R. Day & M. Lamb (Eds.), *Conceptualizing and measuring father involvement* (pp. 417–452). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
6. Cabrera, N. J., & Peters, H. E. (2000). Public policies and father involvement. *Marriage & Family Review*, 29(4), 295–314. http://dx.doi.org/10.1300/J002v29n04_04.
7. Cabrera, N. J., Ryan, R. M., Shannon, J. D., Brooks-Gunn, J., Vogel, C., Raikes, H., .. . Cohen, R. (2004). Low-income fathers' involvement in their toddlers' lives: Biological fathers from the Early Head Start Research and Evaluation Study. *Fathering*, 2(1), 5–30. <http://dx.doi.org/10.3149/fth.0201.5>.
8. Cabrera, N. J., & Tamis-LeMonda, C. S. (Eds.). (2013). *Handbook of father involvement: Multidisciplinary perspectives* (2nd ed.). New York, NY: Routledge.
9. Capaldi, D. M., Pears, K. C., Kerr, D. C., Owen, L. D., & Kim, H. K. (2012). Growth in externalizing and internalizing problems in child-

- hood: A prospective study of psychopathology across three generations. *Child Development*, 83(6), 1945–1959. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1467-8624.2012.01821.x>.
10. Capaldi, D. M., Pears, K. C., Patterson, G. R., & Owen, L. D. (2003). Continuity of parenting practices across generations in an at-risk sample: A prospective comparison of direct and mediated associations. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 31(2), 127–142. <https://doi.org/10.1023/A:102251812>
11. Carlson, M., & Magnuson, K. A. (2011). Low-income fathers' influence on children. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 635, 95–116. <http://dx.doi.org/10.1177/0002716210393853>.
12. Carlson, M., McLanahan, S., & England, P. (2004). Union formation in fragile families. *Demography*, 41, 237–261. <http://dx.doi.org/10.1353/dem.2004.0012>.
13. Carlson, M. J., & Furstenberg, F. F. (2006). The prevalence and correlates of multipartnered fertility among urban U.S. parents. *Journal of Marriage and Family*, 68, 718–732. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1741-3737.2006.00285.x>.
14. Carlson, M. J., McLanahan, S. S., & Brooks-Gunn, J. (2008). Coparenting and nonresident fathers' involvement with young children after a nonmarital birth. *Demography*, 45(2), 461–488. <http://dx.doi.org/10.1353/dem.0.0007>.
15. Caspi, A., & Moffitt, T. E. (1995). The continuity of maladaptive behavior: From description to explanation in the study of antisocial behavior. In D. Cicchetti & D. Cohen (Eds.). *Developmental psychopathology* (pp. 472–511). New York, NY: Wiley.
16. Castillo, J. T., & Sarver, C. M. (2012). Nonresident fathers' social networks: The relationship between social support and father involvement. *Personal Relationships*, 19(4), 759–774. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1475-6811.2011.01391.x>.
17. Castillo, J. T., Welch, G. W., & Sarver, C. M. (2013). The relationship between disadvantaged fathers' employment stability, workplace flexibility, and in-

- involvement with their infant children. *Journal of Social Service Research*, 39(3), 380–396. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1475-6811.2011.01391.x>.
18. Charles, P., Jones, A., & Guo, S. (2013). Treatment effects of a relationship-strengthening intervention for economically disadvantaged new parents. *Research on Social Work Practice*, 24(3), 321–338. <http://dx.doi.org/10.1177/1049731513497803>.
19. Charles, P., Spielfogel, J., Gorman-Smith, D., Schoeny, M., Henry, D., & Tolan, P. (2016). Dis-agreement in parental reports of father involvement. *Journal of Family Issues*. Advance online publication. <http://dx.doi.org/10.1177/0192513X16644639>.
20. Cohen, S. (2004). Social relationships and health. *American Psychologist*, 59(8), 676–684. <http://dx.doi.org/10.1037/0003-066X.59.8.676>.
21. Coley, R. L. (2001). (In)visible men: Emerging research on low-income, unmarried, and minority fathers. *American Psychologist*, 56(9), 743–753. <http://dx.doi.org/10.1037/0003-066X.56.9.743>.
22. Coley, R. L., & Chase-Lansdale, P. L. (1999). Stability and change in paternal involvement among urban African American fathers. *Journal of Family Psychology*, 13(3), 416–435. <http://dx.doi.org/10.1037/0893-3200.13.3.416>.
23. Coley, R. L., & Hernandez, D. C. (2006). Predictors of paternal involvement for resident and nonresident low-income fathers. *Developmental Psychology*, 42(6), 1041–1056. <http://dx.doi.org/10.1037/0012-1649.42.6.1041>.
24. Cooksey, E. C., & Craig, P. H. (1998). Parenting from a distance: The effects of paternal characteristics on contact between nonresidential fathers and their children. *Demography*, 35, 187–200. <http://dx.doi.org/10.2307/3004051>.
25. Cullen, F. T. (1994). Social support as an organizing concept for criminology: Presidential address to the Academy of Criminal Justice Sciences. *Justice Quarterly*, 11(4), 527–559. <http://dx.doi.org/10.1080/07418829400092421>.
26. DeGarmo, D. S., & Forgatch, M. S. (2012). A confidant support and problem solving model of divorced fathers' parenting. *American Journal of*

- Community Psychology, 49, 258–269. [http:// dx.doi.org/10.1007/s10464-011-9437-y](http://dx.doi.org/10.1007/s10464-011-9437-y).
27. DeLisi, M., Beaver, K. M., Vaughn, M. G., & Wright, J. P. (2009). All in the family: Gene $\times$ environment interaction between DRD2 and criminal father is associated with five antisocial phenotypes. *Criminal Justice and Behavior*, 36(11), 1187–1197. <http://dx.doi.org/10.1177/0093854809342884>.
 28. Doherty, W. J., Kouneski, E. F., & Erickson, M. F. (1998). Responsible fathering: An overview and conceptual framework. *Journal of Marriage and the Family*, 60(2), 277–292. <http://dx.doi.org/10.2307/353848>.
 29. Dunn, J. (2004). Annotation: Children's relationships with their nonresident fathers. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 45(4), 659–671. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1469-7610.2004.00261.x>
 - Elliott, D., Huizinga, D., & Ageton, S. (1985). *Explaining delinquency and drug use*. Beverly Hills, CA: Sage.
 30. Fagan, J., & Barnett, M. (2003). The relationship between maternal gate-keeping, paternal competence, mothers' attitudes about the father role, and father involvement. *Journal of Family Issues*, 24(8), 1020–1043. <http://dx.doi.org/10.1177/0192513X03256397>.
 31. Fagan, J., & Lee, Y. (2011). Do coparenting and social support have a greater effect on adolescent fathers than adult fathers? *Family Relations*, 60(3), 247–258. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1741-3729.2011.00651.x>.
 32. Fagan, J., & Lee, Y. (2012). Effects of fathers' early risk and resilience on paternal engagement with 5-year-olds. *Family Relations*, 61(5), 878–892. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1741-3729.2012.00741.x>.
 33. Fergusson, D. M., Horwood, L. J., & Ridder, E. M. (2005). Show me the child at seven: The consequences of conduct problems in childhood for psychosocial functioning in adulthood.
 34. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 46(8), 837–849. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1469-7610.2004.00387.x>.

35. Giordano, P. C., Cernkovich, S. A., & Pugh, M. D. (1986). Friendships and delinquency. *American Journal of Sociology*, 91(5), 1170–1202. <http://dx.doi.org/10.1086/228390>.
36. Gorman-Smith, D., Hunt, E. G., & Robertson, D. (2012). Fatherhood and fathering among low- income and minority men. In V. Malhomes & R. B. King (Eds.), *The Oxford handbook of poverty and child development* (pp. 145–156). New York, NY: Oxford University Press. <http://dx.doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199769100.013.0008>.
37. Gorman-Smith, D., Tolan, P. H., Zelli, A., & Huesmann, L. R. (1996). The relation of family functioning to violence among inner-city minority youths. *Journal of Family Psychology*, 10(2), 115–129. <http://dx.doi.org/10.1037/0893-3200.10.2.115>.
38. Greene, A. D., & Moore, K. A. (2000). Nonresident father involvement and child well-being among young children in families on welfare. *Marriage & Family Review*, 29(2/3), 159–180. http://dx.doi.org/10.1300/J002v29n02_10.
39. Hamer, J., & Marchioro, K. (2002). Becoming custodial dads: Exploring parenting among low- income and working-class African American fathers. *Journal of Marriage and Family*, 64(1), 116–129. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1741-3737.2002.00116.x>.
40. Hamilton, B. E., Martin, J. A., & Ventura, S. J. (2009). Births: Preliminary data for 2007 (National Vital Statistics Reports, Volume 57, Number 12). Hyattsville, MD: National Center for Health Statistics. Retrieved from https://www.cdc.gov/nchs/data/nvsr/nvsr57/nvsr57_12.pdf.
41. Hofferth, S. L. (2006). Residential father family type and child well-being: Investment versus selection. *Demography*, 43, 53–77. <http://dx.doi.org/10.1353/dem.2006.0006>.
42. Hofferth, S. L., & Anderson, K. G. (2003). Are all dads equal? Biology versus marriage as a basis for paternal investment. *Journal of Marriage and Family*, 65, 213–232. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1741-3737.2003.00213.x>.

43. Jaffee, S. R., Belsky, J., Harrington, H., Caspi, A., & Moffitt, T. E. (2006). When parents have a history of conduct disorder: How is the caregiving environment affected? *Journal of Abnormal Psychology*, 115(2), 309–319. <http://dx.doi.org/10.1037/0021-843X.115.2.309>.
44. Jaffee, S. R., Caspi, A., Moffitt, T. E., Taylor, A., & Dickson, N. (2001). Predicting early fatherhood and whether young fathers live with their children: Prospective findings and policy reconsiderations. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 42(6), 803–815. <http://dx.doi.org/10.1111/1469-7610.00777>.
45. Jaffee, S. R., Moffitt, T. E., Caspi, A., & Taylor, A. (2003). Life with (or without) father: The benefits of living with two biological parents depend on the father's antisocial behavior. *Child Development*, 74(1), 109–126. <http://dx.doi.org/10.1111/1467-8624.t01-1-00524>.
46. Johnson, R. (2009). Ever-increasing levels of parental incarceration and the consequences for children. In S. Raphael & M. Stoll (Eds.), *Do prisons make us safer? The benefits and costs of the prison boom* (pp. 177–206). New York, NY: Russell Sage Foundation.
47. Kim, H. K., Capaldi, D. M., Pears, K. C., Kerr, D. C., & Owen, L. D. (2009). Intergenerational transmission of internalising and externalising behaviours across three generations: Gender-specific pathways. *Criminal Behaviour and Mental Health*, 19(2), 125–141. <http://dx.doi.org/10.1002/cbm.708>.
48. Kotila, L. E., & Kamp Dush, C. M. (2012). Another baby? Father involvement and childbearing in fragile families. *Journal of Family Psychology*, 26(6), 976–986. <http://dx.doi.org/10.1037/a0030715>.
49. Krishnakumar, A., & Black, M. M. (2003). Family processes within three-generation households and adolescent mothers' satisfaction with father involvement. *Journal of Family Psychology*, 17(4), 488–498. <http://dx.doi.org/10.1037/0893-3200.17.4.488>.
50. Kulik, L., & Sadeh, I. (2015). Explaining fathers' involvement in childcare:

- An ecological approach. *Community, Work & Family*, 18(1), 19–40. <http://dx.doi.org/10.1080/13668803.2014.944483>.
51. Lamb, M. E., Pleck, J. H., Charnov, E. L., & Levine, J. A. (1985). Paternal behavior in humans.
 52. *American Zoologist*, 25, 883–894. <http://dx.doi.org/10.1093/icb/25.3.883>.
 53. Lamb, M. E., Pleck, J. H., Charnov, E. L., & Levine, J. A. (1987). A biosocial perspective on paternal behavior and involvement. In J. B. Lancaster, J. Altman, A. Rossi, & L. R. Sherrod (Eds.), *Parenting across the life span: Biosocial dimensions* (pp. 111–142). Hawthorne, NY: Aldine.
 54. Landale, N., & Oropesa, R. S. (2001). Father involvement in the lives of mainland Puerto Rico children: Contributions of nonresident, cohabiting, and married fathers. *Social Forces*, 79(3), 945–968. <https://doi.org/10.1353/sof.2001.0014>.
 55. Lin, N. (1986). Conceptualizing social support. In N. Lin, A. Dean, & W. M. Ensel (Eds.), *Social support, life events, and depression* (pp. 17–30). Cambridge, MA: Academic Press.
 56. Lundberg, S., McLanahan, S., & Rose, E. (2007). Child gender and father involvement in fragile families. *Demography*, 44, 79–92. <http://dx.doi.org/10.1353/dem.2007.0007>.
 57. Manlove, E. E., & Vernon-Feagans, L. (2002). Caring for infant daughters and sons in dual-earner households: Maternal reports of father involvement in weekday time and tasks. *Infant and Child Development*, 11, 305–320. <http://dx.doi.org/10.1002/icd.260>.
 58. McBride, B. A., Brown, G. L., Bošt, K. K., Shin, N., Vaughn, B., & Korth, B. (2005). Paternal identity, maternal gatekeeping, and father involvement. *Family Relations*, 54(3), 360–372. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1741-3729.2005.00323.x>.
 59. Miller, D. B. (1994). Influences on parental involvement of African Amer-

- ican adolescent fathers. *Child and Adolescent Social Work Journal*, 11(5), 363–378. <http://dx.doi.org/10.1007/BF01876587>.
60. Moffitt, T. E. (2015). Life-course-persistent versus adolescence-limited antisocial behavior. In D. Cicchetti & D. J. Cohen (Eds.), *Developmental psychopathology* (2nd ed.), (pp. 570– 598). Hoboken, NJ: John Wiley & Sons.
61. Murray, J., & Farrington, D. P. (2005). Parental imprisonment: Effects on boys? Antisocial behavior and delinquency through the life-course. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 46(12), 1269–1278. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1469-7610.2005.01433.x>.
62. Nepomnyaschy, L., & Garfinkel, I. (2011). Fathers' involvement with their nonresident children and material hardship. *Social Service Review*, 85(1), 3–38. <http://dx.doi.org/10.1086/658394>.
63. Roy, K., Dyson, O., & Jackson, J. (2010). Intergenerational support and reciprocity between low-income African American fathers and their aging mothers. In W. Johnson & E. Johnson (Eds.), *Social work with African American males* (pp. 42–60). New York, NY: Oxford University Press. <http://dx.doi.org/10.1080/15427609.2006.9683366>.
64. Roy, K. M., & Lucas, K. (2006). Generativity as second chance: Low-income fathers and transformation of the difficult past. *Research in Human Development*, 3(2–3), 139–159. <http://dx.doi.org/10.1080/15427609.2006.9683366>.
65. Roy, K. M., & Vesely, C. K. (2010). Caring for the family child: Kin networks of young low-income African American fathers. In R. L. Coles & C. Green (Eds.), *The myth of the missing Black father* (pp. 215–240). New York, NY: Columbia University Press.
66. Ryan, R. M., Kalil, A., & Ziol-Guest, K. M. (2008). Longitudinal patterns of nonresident fathers' involvement: The role of resources and relations. *Journal of Marriage and Family*, 70(4), 962– 977. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1741-3737.2008.00539.x>.
67. Schneider, J., Michaels, S., & Bouris, A. (2012). Family network propor-

- tion and HIV risk among Black men who have sex with men. *Journal of Acquired Immune Deficiency Syndromes*, 61(5), 627–635. <http://dx.doi.org/10.1097/QAI.0b013e318270d3cb>.
68. Schoppe-Sullivan, S. J., Brown, G. L., Cannon, E. A., Mangelsdorf, S. C., & Sokolowski, M. S. (2008). Maternal gatekeeping, coparenting quality, and fathering behavior in families with infants. *Journal of Family Psychology*, 22(3), 389. <http://dx.doi.org/10.1037/0893-3200.22.3.389>.
69. Sobolewski, J. M., & King, V. (2005). The importance of the coparental relationship for non- resident fathers' ties to children. *Journal of Marriage and Family*, 67, 1196–1212. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1741-3737.2005.00210.x>.
70. Summers, J. A., Boller, K., & Raikes, H. (2004). Preferences and perceptions about getting support expressed by low-income fathers. *Fathering*, 2(1), 61–82. <http://dx.doi.org/10.3149/fth.0201.61>.
71. Thornberry, T. P., Freeman-Gallant, A., Lizotte, A. J., Krohn, M. D., & Smith, C. A. (2003). Linked lives: The intergenerational transmission of antisocial behavior. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 31(2), 171–184. <http://dx.doi.org/10.1023/A:1022574208366>.
72. Thornberry, T. P., Freeman-Gallant, A., & Lovegrove, P. J. (2009a). Intergenerational linkages in antisocial behaviour. *Criminal Behaviour and Mental Health*, 19(2), 80–93. <http://dx.doi.org/10.1002/cbm.709>.
73. Thornberry, T. P., Freeman-Gallant, A., & Lovegrove, P. J. (2009b). The impact of parental stressors on the intergenerational transmission of antisocial behavior. *Journal of Youth and Adolescence*, 38(3), 312–322. <http://dx.doi.org/10.1007/s10964-008-9337-0>.
74. Tolan, P., Gorman-Smith, D., & Henry, D. B. (2003). The developmental ecology of urban males' youth violence. *Developmental Psychology*, 39(2), 274–291. <http://dx.doi.org/10.1037/0012-1649.39.2.274>.
75. U.S. Department of Health and Human Services; Administration on Children, Youth, and Families; Office of Planning, Research and Evaluation.

(2005). Early Head Start Father Interview for Fathers of 3-year-old Children. Measurement instrument. Retrieved from http://www.acf.hhs.gov/sites/default/files/opre/father_interview_3yrs.pdf.

76. Vaughn, M. G., Salas-Wright, C. P., Delisi, M., & Qian, Z. (2015). The antisocial family tree: Family histories of behavior problems in antisocial personality in the United States. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 50(5), 821–831. <http://dx.doi.org/10.1007/s00127-014-0987-9>.